

۱ دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲ در میان گذاشتن برکات(۲۰دقیقه)

اعداد

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اعداد ۱:۱۱- ۴۵:۱۴)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید.**)

به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرف‌هایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد بحث نکنید.

۳ تعمق و حفظ کردن(۲۰دقیقه)

نجات توسط ایمان-یوحنا ۱: ۱۲

الف- تعـــــمـــــق

بخوانید: یوحنا ۱: ۹- ۱۳، «آن نور حقیقتی بود که هر انسان را منور می‌گرداند و در جهان آمدنی بود. او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را نشناخت به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او

را نپذیرفتند و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند؛ یعنی به هرکه به اسم او ایمان آورد که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خدا تولد یافتند.»

نجات توسط ایمان یوحنا ۱: ۱۲
و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند؛ یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. یوحنا ۱: ۱۲

این آیه حفظی را روی یک صفحه یا تخته سیاه بنویسید:

۱ ـ نجات جهانی نیست.

عیسای مسیح «آن نور حقیقی است که هر انسان را منور می‌گرداند.» این بدان معنی نیست که او هر انسانی را نجات می‌دهد. یوحنا ۱: ۹ و اول تیموتاؤوس ۲: ۴، ۴: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱ و دوم پطرس ۳: ۹ جهانی بودن نجات را تعلیم نمی‌دهند. به این معنی است که عیسای مسیح به هرکس که انجیل را بشنود تنویر روحانی می‌بخشد و به همه آنانی که پیغام نجات را می‌شنوند به میزانی قدرت درک موضوعات روحانی را می دهد. به هر حال اکثر آنانی که انجیل را می شنوند به آن پاسخ مناسبی نمی‌دهند. این متن صریحا تعلیم می‌دهد که جهان عیسای مسیح را تشخیص نداد (نشناخت) و به او خوش آمد نگفت (نپذیرفت) (یوحنا ۱: ۱۰- ۱۱) بسیاری از آنانی که این نور یا تنویر را دریافت می‌کنند باز هم تاریکی را ترجیح می‌دهند. آنها نور را می‌بینند، اما به نزد آن نور نمی‌آیند (یوحنا ۳: ۱۹- ۲۱). انسان‌هایی که یک بار منور گشتند (از گمراهی نجات یافتند) و پس از آن دوباره افتادند، نمی‌توانند دوباره توبه کنند (البته از طریق راه‌ها و تلاش‌های انسانی) (عبرانیان ۶: ۴- ۸، مرقس ۱۰: ۲۷).

۲ ـ نجات را بایستی دریافت یعنی به آن ایمان آورد.

الف- دریافتن یعنی آن را مالک شدن. تاریـــکی، نور یعنی عیسای مسیح درنیافت (درک نکرد) (یوحنا ۱: ۵). دنیا عیسای مسیح را تشخیص نداد (نشناخت) (یوحنا ۱: ۱۰). قوم خودش، اسرائیل عیسای مسیح را خوش آمد نگفتند (نپذیرفتند) (یوحنا ۱: ۱۱) اما به همه آنانی که به عیسای مسیح خوش آمد گفتند (قبول کردند) یعنی همه آنانی که به عیسای مسیح ایمان می‌آورند، عیسای مسیح قدرت می‌دهد تا فرزندان خدا شوند (یوحنا ۱: ۱۲). نجات به عیسای مسیح وابسته است. به منظور نجات یافتن، شخص بایستی عیسای مسیح را به عنوان نجات‌دهنده‌اش تشخیص دهد، به ورود عیسای مسیح به قلب و زندگی‌اش خوش آمد گوید و عیسای مسیح و نجاتی که او با مرگ و قیامش فراهم کرده است دریافت کند. معنی ایمان و باور به عیسای مسیح این است.

ب- هرکس که او را دریافت. یوحنا ۱: ۱۲ به صورت تحت‌الفظی می‌گوید: «به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند» در حالی که دنیا و یهودیان متحدا نجات‌دهنده را رد کردند، افرادی از میان یهودیان و هم امت‌ها او را پذیرفتند. عبارت «به آن کسانی که» با عبارت «هر آن کس» معنی مترادف دارد (یوحنا ۳: ۱۶). فرقی نمی‌کند که آن شخص یکی از یهودیان و یا از امت‌ها باشد. از حالا به بعد، مردم صرفنظر از ملیت یا اجداد جسمانی‌شان بزرگترین عطای روحانی یعنی نجات را دریافت می‌کنند.

۳ ـ نجات، شخص را فرزند خدا می‌سازد.

الف- معنی کلمه قدرت.

ترجمه این کلمه با کلمات حق یا امتیاز بهتر فهمیده میشود. یهودیان اغلب به حقوق موروثی خود افتخار می‌کنند و خود را «فرزندان ابراهیم» می‌نامند (یوحنا ۸: ۳۳). یهودیان و نیقودیموس اعتقاد داشتند که هر شخص با علل جسمی و زیستی مقام روحانی را بدست می آورد که در حضور خدا دارد. هیچ کس با تولد یا اجداد طبیعی فرزند خدا نمی‌شود (رومیان ۹: ۶- ۱۳). تنها حقانیت برای فرزند خدا شدن، ایمان به عیسای مسیح است؛ یعنی با خوش آمد گفتن به عیسای مسیح و او را دریافت کردن.

ب- یک فرزند خدا.

ایماندار از طریق فرزندخواندگی به لحاظ روحانی پسر خدا می‌شود (افسسیان ۱: ۵، رومیان ۵: ۱۸) و بـــا تولد تازه به لحاظ روحانی فرزند خدا می‌شود (یوحنا ۱: ۱۳، رومیان ۸: ۱۶). از نظر هر دو رسول، پولس و یوحنا نجات تولد تازه جسمانی به وسیله قرار گرفتن در یک دین یا دیندار بودن نیست، بلکه تولد دوباره روحانی یافتن است. خدای روح‌القدس به ایمانداران زندگی تازه می‌دهد و آنها را به شباهت خدا تبدیل می‌کند.

- کسی با خواهش جسم خود فرزند خدا نمی‌شود؛ یعنی با انتخاب عقلانی، تصمیم و اراده آزاد طبیعی یا فاسد انسان (رومیان ۸: ۷- ۸). او تنها محض رحمت مطلق خدا فرزند خدا می‌گردد (رومیان ۹:۱۴- ۱۸). او همچنین با انجام اعمال دینی یا کارهای نیکو فرزند خدا نمی‌گردد. او فقط با گزینش مطلق خدا فرزند خدا می‌شود (رومیان ۹:۱۰- ۱۳).
- هیچ کس از طریق اراده انسان فرزند خدا نمی‌شود؛ یعنی با انگیزش جسمی، جنسی یا تولید مثل یک جنس مذکر. هر کس فقط با تولد تازه روحانی مطلق خدا، فرزند خدا می‌شود (یوحنا ۱:۱۳، ۳:۳- ۸).

پ- فرزند خدا شوید. از همان لحظه‌ای که شخص ایمان می‌آورد فرزند خدا می‌شود. از همان لحظه‌ای که حیات خدا به جان او (یعنی به بدن و روح او) وارد می‌شود، او فرزند خدا می‌گردد و به ملکوت خدا وارد می‌گردد. وقتی یوحنا ۱ :۱۲ می‌گوید که به هر ایماندار این حق را می‌دهد تا فرزند خدا شود به این مطلب اشاره نمی‌کند که فرزند خدا شدن در آینده اتفاق میفتد، بلکه آنها این حق را دارند تا به کامل‌ترین مفهوم آن یعنی با روحی کاملا تقدیس شده و جسمی تبدیل یافته فرزند خدا شوند. نجات یک نقطه نیست، بلکه یک خط است. نجات رویدادی صرف نیست که در آغاز زندگی مسیحی اتفاق بیفتد، بلکه فرایندی مداوم است که تا آمدن ثانوی مسیح ادامه دارد! نجات وقتی آغاز می‌شود که شخصی ایمان آورد، اما نجات فقط با رستاخیز بدن از مردگان کامل می‌شود. همچنین فرزند خدا شدن از وقتی شروع می‌شود که شخص مسیح را در قلب و زندگی‌اش بپذیرد. از آن به بعد او فرزند خداست و این حق الهی را دارد که به کامل‌ترین مفهوم آن فرزند خدا شود. این با آمدن ثانویه عیسای مسیح درک می‌شود؛ یعنی وقتی روح شخص کاملا تقدیس (اول یوحنا ۳:۱- ۳) و جسم او کاملا تبدیل می‌شود (فیلیپیان ۳:۲۱). ایماندار در سرتاسر زندگی‌اش بر روی زمین تقدیس می‌شود و دائما بیشتر و بیشتر به چیزی تبدیل می‌شود که سرانجام خواهد بود (اول یوحنا ۳: ۱- ۳).

نتیجه: تبدیل به فرزند خدا شدن هم نتیجه عمل آنی خدا (نقطه آغاز) است و هم یک فرآیند تدریجی (یک خط متوالی) است.

ما ایمانداران از همان لحظه زندگی خود، که خدا وارد جان‌های ما می‌شود، فرزند خدا می‌شویم، اما این تبدیل فقط درآینده کامل می‌شود؛ یعنی وقتی که مسیح را رو به رو ببینیم. به همین علت است که یوحنا از کلمات «فرزند خدا شدن» به جای «فرزند خدا بودن» استفاده می‌کند.

ب- حفظ کردن و مرور

۱- بنویسید: آیه کتاب مقدس را روی یک کارت سفید یا روی صفحه‌ای در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

۲- حفظ کنید: آیه کتاب مقدس را به روش صحیح حفظ کنید. نجات توسط ایمان- یوحنا ۱: ۱۲.

۳- مرور کنید: به گروه‌های دو نفره تقسیم و آخرین آیه‌ای که حفظ کرده‌اید را از همدیگر بپرسید.

۴ بررسی کتاب مقدس(۷۰دقیقه)
رهبری کلیسا-اول پطرس۵: ۱-۷

مقدمه: هدف این بررسی کتاب مقدس یافتن درک عمیق‌تری در باره آنچه عهد جدید درمورد رهبری کلیسا آموزش می‌دهد، می‌باشد.

کلمات یونانی پرسپیتروس (مفرد) و پرسپیتروی (جمع) پیوسته با کلمات فارسی پیرکلیسا و پیران کلیسا ترجمه شده‌اند که بر منصب رهبری جماعت دلالت می‌کند. آنها را نباید «کاهن» و «کاهنان» ترجمه کرد که در جماعت‌های سنتی امروزی بر موضع قدرت دلالت می‌نماید.

کلمات یونانی اپیسکوپوس (مفرد) و اپیسکوپوی (جمع) پیوسته با کلمات فارسی ناظر و ناظران ترجمه شده‌اند که بر یکی از مسؤولیت‌ها یا عملکردهای پیران دلالت می‌کند. آنها را نباید «اسقف» و «اسقفان» ترجمه کرد که به موضع قدرتی حتی برتر در کلیساهای سنتی اسقفی اشاره می‌کند.

کلمات یونانی پویمن (مفرد) و پویمنس (جمع) پیوسته با کلمات فارسی شبان و شبانان ترجمه شده‌اند، که بر مسؤولیت یا عملکردی دیگر از وظایف رهبران دلالت می‌کند. آنها را نباید با کلماتی که به موضع قدرت در جماعت‌های سنتی امروزی اشاره می‌کند، اشتباه گرفت.

واژه یونانی "episkope " (اول پطرس ۲:۵) به صورت «نظارت کردن» یا «ناظر بودن» ترجمه شده‌اند.

و واژه یونانی "poimaino " (اعمال رسولان ۲۸:۲۰؛ اول پطرس ۲:۵) هم به صورت «شبانی کردن» یا «شبان بودن» ترجمه شده‌اند.

«یک منصب» خدمتی است که از سوی دیگران اعطا یا انتصاب می‌شود. هر منصبی مسؤولیت‌هایی دارد و نیز اختیاراتی نیز در حیطه آن مسؤولیت‌ها دارد. مطابق با کتاب مقدس تنها مناصب رهبری در کلیسا به پیران تعلق دارد (اعمال رسولان ۳۰:۱۱، ۲۳:۱۴، ۱۷:۲۰، اول تیموتاؤوس ۱۷:۵، تیتوس ۵:۱، یعقوب ۱۴:۵، اول پطرس ۱:۵)!

مناصب خدمت از این قرارند: رسولان (میسیونرها)، واعظان، مبشران، شبانان و معلمان (افسسیان ۱۱:۵-۱۲)، شماسان (اعمال رسولان ۱:۶- ۷)، سرگروه‌ها، رهبران جوانان و غیره. خادمان منتصب از سوی رهبران منصوب می‌گردند و در برابر ایشان مسؤول و پاسخگو هستند. با این حال، در کتاب مقدس «رهبری» هم یک «خدمت» است و هرگز «یک موضع قدرت» نمی‌باشد (متی ۲۵:۲۰- ۲۸، اول پطرس ۲:۵- ۳)!

از آنجایی که یک جماعت را هرگز نباید یک نفر رهبری نماید (پیر، شبان، کاهن)، بایسته است که چندین مشارکت خانگی (کلیسای خانگی) زیر رهبری گروهی از پیران (مشایخ) هدایت شوند. یک جماعت به طور عملی و بسته به موقعیت، باید بین سه تا هشت کلیسای خانگی را پوشش دهد و گروه پیران نیز از دست کم سه پیر تشکیل شده باشند. یک گروه (یا تیم) از دست کم سه پیر حدید باید جماعتی تازه را با چندین کلیسای خانگی تشکیل دهند. بدین ترتیب هر جماعتی به طرزی اداره کردنی کوچک باقی می‌ماند و با این حال رهبری کتاب مقدسی هم دارد.

قدم ۱: بخوانید

بخوانید: اول پطرس ۵: ۱- ۷ را با هم بخوانیم.

هر یک به نوبت یک آیه بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید

توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

بنویسید: یک یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، درمورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی حدود دو دقیقه به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند.) به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگر در میان بگذاریم.

(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوما یکسان باشند.)

*** ۲:۵- ۳**

کشف ۱) یک حقیقت مهم برای من در آیه ۲ و ۳ است که از سه واژه برای پیران کلیسا استفاده می‌کند: آنها را «پیران» (یونانی: پرسپیتروی) (اعمال رسولان ۲: ۱۷، اول تیموتائوس ۵: ۱۷، اول پطرس ۱:۵)، شبانان (یونانی: پویمنس) (اعمال رسولان ۲۸:۲۰، اول پطرس ۲:۵) و ناظران (یونانی: اپیسکوپوی) (اعمال رسولان ۲۸:۲۰، اول پطرس ۲:۵) می‌نامد. این حقیقت دارای سه معنی است:

الف- نخست اینکه رهبران دارای هیچ سلسله مراتبی درکلیسای مسیحی عهد جدید نیستند.

ب- دوم اینکه یک کلیسای منفرد درعهد جدید، نه توسط یک رهبر (یک شبان یا یک کشیش)، بلکه توسط یک گروه از مردانی که «شورای پیران کلیسا» نامیده می‌شدند (یونانی: پرسپیتریون) هدایت می‌شد (اول تیموتاؤوس ۴: ۱۴). وظیفه آنها به عنوان کار شبانان، کشیشان یا ناظران شرح داده شده است (اعمال رســـولان ۲۰: ۲۸). رهبری، امتیاز یک شخص نیست، بلکه وظیفه گروهی از مردان که «پیران» یا شورای مشایخ نامیده می‌شوند، می‌باشد.

پ- سوم اگرچه کلمه «پیر» (پرسپیتروس) در اصل کلمه، اشاره به مردی پیر می‌کند که در جامعه دارای تجربه بیشتری بود، این کلمه در کتاب مقدس فقط محدود به یک پیرمرد نیست. در کتاب مقدس کلمه «پیر» در اعمال رسولان ۲۰: ۲۸، اول تیموتاؤوس ۵: ۱۷، تیطوس ۱: ۵ - ۶ و اول پطرس ۵: ۱- ۴ بیش از همه اشاره به یک رهبر به عنوان یک خدمتگزار در کلیسا می‌کند که قابلیت‌ها و مسؤولیت‌های خاصی دارد. اگر مردی جوان برطبق کتاب مقدس قابلیت و شایستگی دارد، او به این معنی می‌تواند رهبر یا خدمتگزار کلیسا بشود (اعمال رسولان ۳۰:۱۱، ۲۳:۱۴، ۱۷:۲۰و ۲۸، اول تیموتاؤوس ۳: ۶- ۷، اول تیموتاؤوس ۴: ۱۲). بنابراین کلمه «پیر» فقط به سن فرد از لحاظ تحت الفظی اشاره نمی‌کند، بلکه از لحاظ روحانی نیز به یک ایماندار بالغ در مقام رهبری و خدمت اشاره می‌کند.

۱:۵ ❋

کشف ۲) یک حقیقت مهم برای من در آیه ۱ است که پطرس رسول خود را هم یکی از پیران کلیسا می‌نامد. رسولان مسیح گروهی انسانی و بی‌نظیر بودند که وظیفه‌ای منحصر به فرد در جهان یا کلیسای جهانی داشتند و کلیسای اولیه را در بین یهودیان، سامری‌ها و امت‌ها تاسیس کردند. اما پطرس درهر کلیسای منفردی که آن را بازدید می‌کرد به عنوان یکی از پیران کلیسا عمل می‌کرد. او خودش را تسلیم همان تعالیمی در باره «پیران کلیسا» کرده بود که خودش به کلیسا تعلیم داده بوده و بر هیچ یک از کلیساهای محلی خداوندی نمی‌کرد.

قدم ۳: سؤال کنید

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟

سعی کنیم تمام حقایق مربوط به اول پطرس ۵: ۱- ۷ را درک کنیم و درمورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.

بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی حدود دو دقیقه به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد.)

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤال‌ها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن درمورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه نمونه‌هایی از سؤال‌هایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

۴:۵ ❋

سؤال ۱) (مسیح) چه کسی رهبر مطلق کلیساست؟

متی ۱۸:۱۶، افسسیان ۲۲:۱، اول پطرس ۲۵:۲، ۴:۵ را بخوانید.

ملاحظات: در متی ۱۶: ۱۸، عیسی می‌گوید: «و بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم.»

الف- عیسی مالک کلیساست. او می‌گوید: «این کلیسای من است.» کلیسای جهانی و تمام کلیساهای محلی در سراسر جهان به رهبران یا اعضایشان متعلق نیستند، بلکه فقط به عیسای مسیح. او کلیسا را با خونش خریده است (اعمال رسولان ۲۰: ۲۸). با اصطلاح «گله خدا» مقایسه کنید (اول پطرس ۲:۵).

ب- عیسی بناکننده کلیساست. به علاوه عیسی می‌گوید: «من کلیسای خود را بنا می‌کنم» میسسیونرها، پیران کلیسا و یا هر انسان دیگر خودشان به تنهایی یک کلیسای محلی را بنا نمی‌کند. عیسی کلیسایش را بنا می‌کند و از مردم به عنوان خادمینش استفاده می‌کند. جدای از عیسای مسیح قادر به انجام کاری که دارای ارزش ابدی باشد، نیستیم (یوحنا ۱۵: ۵)!

پ- عیسی سر کلیساست. در افسسیان ۱: ۲۲ خدا عیسای مسیح را تعیین کرد تا سر تمامی خلقت و همچنین سر کلیسا باشد. هیچ انسانی بر روی زمین ممکن نیست که این مقام را به دست آورد! عیسای مسیح به تنهایی شبان اعظم (Pastor) کلیسای جهانی است (اول پطرس ۵: ۴)، او به تنهایی ناظر (اسقف) جان‌های ما می‌باشد (اول پطرس ۲: ۲۵).

بنابراین عیسای مسیح بنا کننده، مالک و سر است از حال و تا به ابدالاباد. او به تنهایی رهبر مطلق و ابدی کلیسای جهانی و هر جماعت منفرد است.

*** ۱:۵**

سؤال ۲) (رسولان) چه کسانی رهبران بنیادین کلیسا هستند؟

افسسیان ۲:۲۰ ، مکاشفه ۱۴:۲۱، اول پطرس ۱:۵ را بخوانید.

ملاحظات:

الف- رسولان عیسی بنیادگزاران اولین کلیسا در تاریخ بودند.

رسولان، انجیل را به یهودیان موعظه کردند و نخستین کلیسای محلی در میان یهودیان تأسیس شد (اعمال رسولان ۲: ۱۴، ۳۷- ۴۲). زمانی که اولین کلیسای محلی در میان سامری‌ها تأسیس شد حضور رسولان ضروری بود (اعمال رسولان ۸: ۱۴- ۱۷، ۹: ۳۱). سرانجام اینکه رسولان، انجیل را در میان امت‌ها موعظه کردند و اولین کلیسای محلی در میان امت‌ها تأسیس شـــد (در قیصریه، اعمال رسولان فصل‌های ۱۰- ۱۱ و در اولین سفر بشارتی پولس، اعمال رسولان فصل‌های ۱۳ - ۱۴).

ب- رسولان عیسی رهبران بنیادین کلیسا بودند.

کتاب مقدس می‌گوید که کلیسا بر بنیاد رسولان و انبیاء ساخته شده است (افسسیان ۲: ۲۰). رسولان، ۱۱ شاگرد عیسای مسیح و پولس هستند. آنها توسط عیسای مسیح انتخاب، خوانده و فرستاده شدند و شاهدین مرگ و قیام او بودند.

آنها اولین کلیساهای تاریخی را در میان یهودیان، سامری‌ها و امت‌ها تأسیس کردنـــد. انبیا یـــعنی واعظان و مشوقین الهام یافته، مانند تیموتاؤوس، تیتوس و سیلاس به آنها کمک می‌کردند (اعمال رسولان ۱۵: ۳۲). این رسولان و آنانی که به ایشان کمک می‌کردند در میان کلیساهای امتها، نخستین رهبران پایه‌گذار کلیساهای محلی بنام «پیران کلیسا» را تعیین کردند. رسولان جانشینی نداشتند، چون مطابق اعمال رسولان ۱: ۲۱ - ۲۲ هیچ کس واجد شرایط نبود. پس رسولان، رهبران بنیادی کلیسا هستند (مکاشفه ۲۱: ۱۴) چون در میان اکثریت گروه‌های مردم در کتاب مقدس، نخستین کلیساها را در تاریخ تأسیس کردند؛ یعنی در میان یهودیان (از پادشاهی جنوبی قوم یهودا)، سامری‌ها (فرزندان پادشاهی شمالی و قوم اسرائیل با نژادی مختلط) و امت‌ها (از نقاط دیگر به غیر از سرزمین اسرائیل) (اعمال رسولان ۱: ۸).

پ- رسولان عیسی به عنوان «پیران کلیسا» در کلیساها عمل می‌کردند.

در اول پطرس ۵: ۱، پطرس رسول خود را «یک پیرکلیسا» می‌خواند. پطرس رسول در زمان موعظه انجیل به غیرمسیحیان و تاسیس اولین کلیسای محلی در میان یهودیان، سامری‌ها و امت‌ها و نوشتن چند کتاب عهد جدید مانند یک رسول عمل کرد، اما زمانی که در یک کلیسای محلی زندگی و کار می‌کرد عملکرد او مانند یکی از پیران کلیسا بود (اول پطرس ۵: ۱). سایر رسولان هم مانند «پیران کلیسا» عمل می‌نمودند (دوم یوحنا ۱، سوم یوحنا ۱، اعمال رسولان ۶: ۴) اما چون وظیفه اصلی و دعوت آنها شاگردسازی در میان سایر قوم‌ها و تأسیس کلیساهای محلی دیگر بیشتری بود، به سرعت اعضای کلیسای محلی را به عنوان «پیران کلیسا» کلیساهای محلی خودشان انتخاب می‌کردند (اعمال رسولان ۱۴: ۲۳، تیتوس ۱: ۵).

*** ۱:۵- ۲**

سؤال ۳) (پیران) رهبران منصوب کلیسا چه کسانی بودند؟

اعمال رسولان ۲۱:۱۴- ۲۳، تیتوس ۵:۱، اول تیموتاؤوس ۱۴:۴، اول پطرس ۱:۵- ۲.

ملاحظات:

الف- پیران در جماعت‌های یهودی.

در کتاب مقدس به انتخاب رسولان (مرقس ۳: ۱۳ - ۱۹) و نحوه انتخاب شماسان اشاره شده است (اعمال رسولان ۶: ۱ - ۷) اما در مورد انتخاب «پیران کلیسا» کلیسای یهودیان چیزی نمی‌خوانیم. به «پیران» کلیسای اورشلیم نخست در اعمال رسولان ۱۱: ۳۰ و سپس در اعمال رسولان ۱۵: ۲ اشاره شده است، اما به انتخاب آنها در هیچ جا اشاره‌ای نشده است. به این دلیل که «پیران» تنها رهبران دائمی و ضروری موجود در کلیساهای منفرد در میان یهودیان بودند.

قبلا در دوران عهد عتیق «پیران» رهبران رسمی قوم خدا بودند. پیران یهودی یا سران خانواده‌ها و یا مردانی بودند که در اجتماع یهود دارای چنین موقعیت‌هایی بوده و توسط خود مردم انتخاب می‌شدند (خروج ۳: ۱۶، ۱۸: ۱۷- ۲۳، اعداد ۱۱: ۱۶- ۱۷، تثنیه ۱: ۹- ۱۸). وقتی رسولان، نخستین کلیساها را در میان یهودیان تأسیس کردند، نهاد «پیران» بدون انجام انتخابات رسمی و همچنین بدون اشاره واضحی در کتاب اعمال رسولان قسمتی از تشکیلات جدید بود.

ب- پیران در جماعت‌های غیر یهودی.

به نهاد «پیران» کلیسا در میان کلیساهای امت‌ها به صورت واضح اشاره شده است، چون امت‌ها دارای چنین بنیادی نبودند. پس رسولان و همکارانشان که این کلیساها را تأسیس کردند «در هر کلیسا به جهت ایشان پیران کلیسا را تعیین نمودند» (اعمال رسولان ۱۴: ۲۳، تیتوس ۱: ۵). واژه «معین نمودند» به صورت تحت‌اللفظی به معنی انتخاب از طریق «بالا بردن دست‌ها» است، اما در اینجا نمی‌تواند این معنی را داشته باشد چون فقط پولس و برنابا تعیین‌کنندگان بودند. این واژه به معنی انتخاب کردن، تعیین کردن یا منصوب کردن است بدون اینکه به نحوه انتخاب و یا نحوه مراسم آن اشاره‌ای شود. پس می‌توانیم چنین فرض کنیم که شیوه انتخاب «پیران کلیسا»، همانند مورد دیگری است که قبلا در اعمال رسولان ثبت شده است؛ یعنی جایی که ایمانداران، شماسان را انتخاب کردند و رسولان آنها را دستگذاری نمودند (اعمال رسولان ۶: ۵ - ۶). پس «پیران کلیسا» رهبران منصوب شده کلیسا بودنـــد (تیتوس ۱: ۵) و رهبری رسمی هر کلیسای منفرد «گـــروه پیران کلیسا» است (یونانی:presbuterion ، اول تیموتائوس ۴: ۱۴).

پ- پیران در تعلیم کتاب مقدس.

خدا از طریق روح‌القدس پیران را منصوب می‌کند. او آنها را منصوب می‌کند تا رهبری جماعت را به عهده بگیرند. وی همچنین مسؤولیت‌ها (وظایف) آنان را مشخص می‌کند.

پولس برای پیران (یونانی: presbuteroi) کلیسای افسس پیغامی فرستاد (اعمال رسولان ۱۷:۲۰) و ایشان را فراخوانده گفت: «مراقب خود و تمامی گله‌ای که روح‌القدس شما را به نظارت بر آن برگماشته است (یونانی: episkopoi) باشید و کلیسای خدا را که آن را به خون پسر خود خریده است، شبانی کنید (یونانی poimano)» (اعمال رسولان ۲۸:۲۰).

و پطرس رسول به پیران کلیساهای آسیای صغیر (اول پطرس ۱:۱) نوشت: «گله خدا را که به دست شما سپرده شده است شبانی (یونانی: poimano) و نظارت کنید» (اول پطرس ۲:۵). بدین ترتیب هر دو رسول به روشنی تعلیم می‌دهند که رهبری جماعت «پیران» نامیده می‌شود (اعمال رسولان ۱:۱۱، ۲:۱۵

و ۴ و ۶ و ۲۲، ۲۳:۱۴، ۱۷:۲۰، اول تیموتاؤوس ۱۴:۴، ۱۷:۵، تیتوس ۵:۱، اول پطرس ۱:۵) و وظیفه آنان «شبانی کردن» و «نظارت کردن» می‌باشد (اعمال رسولان ۲۸:۲۰، اول تیموتاؤوس ۱۱:۳، اول پطرس ۲:۵). این به وضوح نشان می‌دهد که با توجه به واژگان، این کلمات «پیران»، «شبانان» و «ناظران» در عهد جدید به جای همدیگر نیز به کار رفته‌اند.

واژه‌های سنتی و امروزی "prists" ، "bishops" و "pastors" که در زبان انگلیسی برای این سه اصطلاح به کار برده می‌شوند، از واژه‌های یونانی و لاتینی که در کتاب مقدس برای «پیران»، «شبانان» و «ناظران» به کار رفته‌اند، اقتباس گردیده‌اند. در روزگار عهد جدید این اصطلاحات تنها بر منصب یک پیر و عملکردهایش دلالت می‌کند! اما در سده‌های دوم و سوم میلادی اصطلاحات مزبور به دو منصب سلسله مراتبی تبدیل شدند!

در کلیسای عهد جدید میان رهبران هیچ سلسله مراتبی وجود نداشت! تنها گروهی از پیران بودند که در هر جماعت منفرد (کلیسای محلی) تحت عنوان هیأت مشایخ نامیده می‌شدند و در مسؤولیت رهبری آن جماعت با یکدیگر سهیم بودند. اصطلاح «پیر» بیان‌کننده بلوغ و تجربه روحانی و رهبر و در عین حال حرمت بیشتر دستورهای اوست. اصطلاح «ناظر» و «شبان» توصیف‌کننده طبیعت وظایف پیران است. بدین ترتیب همه پیران جماعت بایستی جماعت خود را نظارت و شبانی نمایند. همه آنها در جماعت خود کارکردهای شبانی، تعلیمی و مدیریتی دارند.

سؤال ۴) (سازمان جامع یا فراگیر) آیا در دوران عهد جدید رهبران کلیسایی دیگری بالاتر از پیران کلیسا وجود داشتند؟

اعمال رسولان ۱:۱۵- ۲ و ۴ و ۶ و ۲۲؛ ۱۷:۲۰و ۲۸ را بخوانید.

ملاحظات:

الف- پیران کلیسا اختیارات برابر داشتند، ولی وظایف آنها متفاوت بود.

بعضی از پیران کلیسا امور کلیسا را اداره می‌کردند در حالی که دیگر پیران کلیسا موعظه می‌کردند و تعلیم می‌دادند (اول تیموتاؤوس ۵: ۱۷). اگرچه وظایف آنها در داخل کلیسای محلی متفاوت بودند، اما آنها با یکدیگر یک شورای پیران کلیسا را (یونانی: پرسپیتریون) تشکیل می‌دادند (اول تیموتاؤوس ۴: ۱۴).

تمایز کنونی میان رهبران آموزش دیده توسط آموزشگاه‌های کتاب مقدس یا دانشگاه‌های الهیات و دیگر پیران یک جماعت که تحصیلات الهیاتی ندارند قبلا وجود نداشت. تمایز موجود جدید بین شبانان رسما معین شده و دیگر پیران کلیسای نیز وجود نداشت، زیرا تمام پیران کلیسا به عنوان شاگردان آموزش داده شده و سپس به عنوان پیران جماعت (یونانی: cheirotoneo در اعمال رسولان ۲۱:۱۴- ۲۳ و

kathistemi در تیتوس ۵:۱) منصوب (گمارده) می‌شدند.

ب- پیران کلیسا درون شورای پیران کلیسا با یکدیگر مشاوره و تبادل نظر می‌کردند.
بر طبق اعمال رسولان ۲۰: ۱۷، ۲۸ پولس رسول به پیران جماعت در افسس دستور داد که نه تنها به گله (یونانی: prosecho) به عنوان ناظران توجه کنند (مراقب باشند)، بلکه از یکدیگر نیز مراقبت کنند (اعمال رسولان ۱۷:۲۰ و ۲۸).

بنابراین حتی یکی از پیران کلیسا در شورای پیران کلیسا بر دیگر پیران کلیسا مقام و اختیار بالاتر نداشت. در کتاب مقدس هیچ اشاره ای به هیچگونه رهبری بالاتر از پیران کلیسای محلی (جماعت منفرد) در طی دوران عهد جدید مشاهده نمی‌شود. تمایز موجود جدید بین یک اسقف به عنوان یک رئیس بر تمام رهبران کلیسا (کشیشان) وجود نداشت.

ث- جلسه ملاقات در اورشلیم یک مجمع کلیسایی بالاتر بر شورای پیران کلیسا نبود.
بر طبق اعمال رسولان ۱۵: ۱- ۳۵ جلسه ملاقات در اورشلیم جلسه ای بین نمایندگان ایمانداران از کلیسای محلی غیریهودی در انطاکیه در سوریه و پیران کلیسای محلی اورشلیم در یهودیه به همراه رسولان بود. هدف این ملاقات این بود که مشکلات مربوط به یهودیان به مسیح گرویده در کلیسای اورشلیم که به نزد غیر یهودیان مسیحی شده در کلیسای انطاکیه آمده بودند و سعی کرده بودند که آنها را مجبور به نگه داشتن قوانین مذهبی یهودی کرده بودند را بررسی کنند. جلسه ملاقات اورشلیم یک جلسه نمایندگان از همه کلیساهای محلی موجود نبود. به این جلسه هرگز قدرتی داده نشده بود که اختیار تام بر دیگر کلیساهای محلی داشته باشد و خود نیز هرگز ادعای داشتن چنین اختیاراتی هم نداشت.

شاهدی از هیچگونه مجمع یا کنفرانس کلیسایی نمایندگی که برتر از شورای پیران کلیسا درهر کلیسای محلی در دوران عهد جدید باشد، مشاهده نمی‌گردد. تمایز کنونی بین یک مجمع کلیسایی بالاتر بر تمام کلیساهای محلی و شورای پیران کلیسای محلی وجود نداشت.

*** ۲:۵- ۴**

سؤال ۵) (شبانان، ناظران) نخستین وظیفه شورای پیران کلیسا چیست؟
اول پطرس ۲:۵- ۴، اعمال رسولان ۲۸:۲۰ را بخوانید.

ملاحظات: نخستین وظیفه پیران کلیسا این است که بر گله خدا شبانان باشند.
بر طبق نظر پطرس رسول، وظیفه پیران کلیسا این است که «گله خدا را که در میان شماست بچرانید و

نظارت آن را بکنید» (اول پطرس ۵: ۲). بر طبق نظر پولس رسول در اعمال رسولان ۲۰: ۲۸ وظایف پیران کلیسا دقیقا مشابه است. نباید در هر کلیسا فقط یک شبان یا کشیش وجود داشته باشد، بلکه شورایی از پیران کلیسا! هرعضو شورای پیران کلیسا بایستی شبان باشد و یا مسؤولیت‌های شبانی در کلیسا داشته باشد. به عنوان شبان، پیران کلیسا بایستی ناظر کلیسای محلی باشند درست مثل عیسی؛ یعنی شبان نیکو که بر کلیسای جهانی نظارت می‌کند. آنها بایستی با نیت رشد و سلامتی روحانی، اعضای کلیسای محلی را تغذیه، محافظت، مواظبت و هدایت کنند. پیران کلیسا به عنوان شبان بایستی نه به خاطر مقام بلکه به عنوان یک وظیفه، وظایفشان را انجام دهد. هر پیرکلیسا بایستی علاوه بر اعضای کلیسای محلی از سایر پیران کلیسا نیز محافظت کند.

بدین ترتیب هم اعضا و هم پیران کلیسا نسبت به شخصی دیگر پاسخگو هستند. پیران کلیسا بایستی در برابر تعالیم غلط بسیار هوشیار باشند (اعمال رسولان ۲۰: ۲۸- ۳۱). آنها همچنین بایستی نسبت به اعضای کلیسای محلی که واقعا محتاج هستند مثل یتیمان، بیوه‌ها و نوایمانان، توجه نشان داده و از آنها مهربانانه مراقبت کنند. «پیران کلیسا» بایستی بیماران را ملاقات کرده و برای آنها دعا کنند (یعقوب ۱۴:۵).

سؤال ۶) وظیفه دوم شورای پیران کلیسا چیست؟

اول تیموتاؤوس ۴:۳- ۵، ۱۷:۵، تیتوس ۷:۱ را بخوانید.

ملاحظات: وظیفه دوم پیران کلیسا این است که مدیران خانه خدا باشند.

دومین وظیفه پیران «داره کردن» یا «تدبیر کردن، به پیش بردن» (یونانی:proistemi) امور خانواده‌ها و نیز جماعت خود می‌باشد (اول تیموتاؤوس ۵:۳؛ ۱۷:۵). آنها با ارائه نمونه خوبی از خودشان به جماعت جهت می‌دهند. از ایشان انتظار می‌رود که «مباشران، مدیران یا مجریان» (یونانی: oikonomoi) خوبی برای (خانه) خدا باشند (تیتوس ۷:۱).

آنها بر فعالیت‌ها و دارایی‌های همه اعضای جماعت مدیریت می‌کنند. برای مثال پیران کلیسا بایستی عملکرد جلسات کلیسای محلی، بشارت، برنامه‌های آموزشی و خدمات دیگر کلیسا را اداره کنند. اگر یک پیرکلیسا، خانواده خود را به خوبی مدیریت نمی‌کند و همسر و فرزندانش به توجه بیشتری احتیاج دارند پس بایستی از مقام رهبری خود کناره‌گیری کند تا احتیاج خانواده‌اش را برطـــرف کند (اول تیموتاؤوس ۳: ۴- ۵). شیوه رهبری پیران کلیسا نباید خداوندی کردن بر آنانی باشد که بدیشـــان سپرده شده‌اند، بلکه آنها را از طریق بجا گذاشتن یک نمونه رهبری کنند (اول تیموتاؤوس ۴:۳- ۵).

سؤال ۷) وظیفه سوم شورای پیران کلیسا چیست؟

اول تیموتاؤوس ۲:۳؛ ۱۷:۵؛ تیتوس ۹:۱ را بخوانید.

ملاحظات: وظیفه سوم پیران کلیسا این است که معلمان کلام خدا باشند.
سومین وظیفه پیران «تعلیم دادن» و «موعظه کردن» است. او باید «قادر به تعلیم» (یونانی:didaktikos) (اول تیموتاؤوس ۲:۳) حقیقت کتاب مقدس و «در کار موعظه و تعلیم فعال» (یونانی: en logo kai didaskalia) (اول تیموتاؤوس ۱۷:۵) باشد. آنان باید «بر کلام مطمئنی که تعلیم داده شده است، پایدار باشند»، تا بتوانند دیگران را بر پایه تعلیم صحیح پند دهند و نظر مخالفان را رد کنند (تیتوس ۹:۱).

این وظیفه شامل تمام وظایفی است که به کتاب مقدس مربوط می‌شوند. به عنوان معلمان، پیران کلیسا بایستی تمامی اراده خدا (اعمال رسولان ۲۰: ۲۷) و هر آنچه مفید باشد (اعمال رسولان ۲۰: ۲۰) به اعضای کلیسای محلی تعلیم دهند. آنها نبایستی از آنچه در کتاب مقدس نوشته شده فراتر روند (اول قرنتیان ۶:۴)! بایستی به اعضا تعلیم دهند که از هر آنچه عیسای مسیح دستور داده است اطاعت کنند (متی ۲۸: ۱۹). آنها بایستی کلام خدا را هم به مسیحیان و هم به غیر مسیحیان موعظه کنند. بایستی به اعضای جماعت تعلیم دهند، آنها را تشویق کنند و به آنها هشدار دهند. آنها بایستی درمورد موضوعات آموزه‌ای بحث کنند و تصمیم بگیرند و از تعالیم غلط بپرهیزند و غیره.

*** ۲:۵- ۳**

سؤال ۸) (خادمان) وظیفه چهارم شورای پیران کلیسا چیست؟
اول پطرس ۲:۵- ۳، متی ۲۵:۲۰- ۲۸ را بخوانید.
ملاحظات: وظیفه چهارم پیران کلیسا این است که خدمتگزار خدا و مردم باشند.
چهارمین وظیفه پیران «خادم بودن» است.عیسی در متی ۲۰: ۲۵- ۲۸ همه شاگردان را طلبیده و می‌گوید: «آگاه هستید که حکام امتها برایشان سروری می‌کنند و رؤسا برایشان مسلطند لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که در میان شما می‌خواهد بزرگ گردد خادم شما باشد و هر که می‌خواهد در میان شما مقدم بود غلام شما باشد چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا بسازد» (متی ۲۵:۲۰- ۲۸). به عنوان خدمتگزاران خدا و مردم، پیران کلیسا بایستی وظایف را به نفع دیگران انجام دهند.

این وظیفه خلاصه‌ای از رهبری پیران کلیساست. شیوه رهبری رهبران کلیسا بایستی کاملا متفاوت با مفهوم آن در دنیا شد. پیران کلیسا بایستی با رضایت خاطر، آزادانه و مشتاقانه خدمت کنند و نباید بر آنانی که به ایشان سپرده شده‌اند خداوندی کنند (اول پطرس ۳:۵)! بایستی برای ایمانداران نمونه باشند و به جای اینکه با دادن دستورات رهبری کنند بایستی با بجا گذاشتن یک نمونه آنها را هدایت کنند. به

جای اینکه خدمت کرده شوند باید اعضا را خدمت کنند.



*** ۵:۵- ۶**

سؤال ۹) نگرش مسیحیان نسبت به پیران کلیسا چگونه باید باشد؟

اول پطرس ۵:۵- ۶، رومیان ۱:۱۳- ۲ را بخوانید.

ملاحظات:

الف- محدودیت اقتدار

خدا به پیران کلیسا اقتدار بخشیده است، اما اقتدار آنها محدود به وظایفشان است که در بالا به آنها اشاره شد. به علاوه خود پیران تحت اقتدار عیسای مسیح یعنی تحت اقتدار کتاب مقدس (که به درستی تفسیر شده باشد)، تحت اقتدار روح‌القدس (که هرگز کلامی مخالف کتاب مقدس نمی‌گوید) و تحت اقتدار شورای پیران کلیسا هستند. قدرت نجات دادن، تغییر دادن و استفاده کردن و برکت دادن مردم، هدایت از طریق کلام خدا و روح‌القدس، دادن عطایای روحانی، محول کردن وظایف و دعوت برای خدمات خاص در نهایت به عهده عیسای مسیح است و نه پیران کلیسا اما در زمینه وظیفه‌ای که به ایشان سپرده شده، پیران کلیسا دارای اقتدار هستند و اعضای جماعت بایستی مطیع رهبری ایشان باشند (اول تسالونیکیان ۱۲:۵، عبرانیان ۷:۱۳و ۱۷).

ب- تسلیم

پطرس رسول چنین تعلیم می‌دهد که: «ای جوانان، شما نیز تسلیم مشایخ باشید.» نگرش صحیح نسبت به پیران یک جماعت، تسلیم است (اول پطرس ۵: ۵- ۶). همچنین جوانان و پیران هر دو بایستی مطیع یکدیگر باشند. پطرس از کلمه «همچنین» استفاده می‌کند. وظیفه نخست مرد پیر تأثیر گذاشتن بر مرد جوان و وظیفه نخست مرد جوان این است که تحت تأثیر مرد پیر باشد. وظیفه دوم مرد پیر این است که از مردان جوان تأثیر بپذیرد و وظیفه دوم مرد جوان تأثیر گذاشتن بر مرد پیر است (اول تیموتاؤوس ۵: ۱).

پ- فروتنی

نگرشی که خدا هم از اعضا و همچنین از رهبران انتظار دارد فروتنی است. شخص فروتن از اهمیت، توانایی‌ها یا موفقیت‌های خود مغرور نمی‌شود حتی اگر یک پیر کلیسا باشد. شخص فروتن همچنین مغرورانه از خود دفاع نمی‌کند. دیگران را زیر سلطه خود نمی‌گیرد. یک شخص فروتن دیگران را تحقیر نمی‌کند، بلکه آنها را از خود بهتر به حساب می‌آورد (فیلیپیان ۲: ۳- ۴).

قدم ۴: به کاربرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است؟

در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحا با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر بر اساس اول پطرس ۵: ۱- ۷ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدام یک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد مشخص بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند.)

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (اول پطرس ۵: ۱ – ۷)

- ۵ :۱- یک پیرکلیسا می‌تواند از سایر پیران کلیسا بخواهد وظایفی که مسیح به آنها محول کرده انجام دهند، چون این درخواست همچنین در کتاب مقدس هم ثبت شده است، هر یک از اعضا جماعت هم می‌توانند از پیران کلیسا بخواهند که وظایفشان را به عنوان پیران کلیسا انجام دهند.
- ۵: ۲- اگر پیرکلیسا هستید برای سایر اعضای جماعت شبان باشید. آنها را با کلام خدا تغذیه کنید، از آنها با دعا و تذکرات محافظت کنید و آنها را با وعده‌های خدا تشویق کنید. اعضایی که آمادگی گمراه شدن دارند شناسایی کنید. بیماران و سالمندان را ملاقات کنید. از بیوه‌ها و یتیمان مواظبت کنید.

- ۵: ۲- اگر پیرکلیسا هستید همیشه اعضای کلیسا را به عنوان یک ناظر خدمت کنید؛ یعنی کاملا مشتاق انجام وظیفه هستید، انگیزه صحیح دارید (نه طمع برای پول) و مشتاق خدمت هستید.
- ۵: ۳- اگر پیر کلیسا هستید بر ایماندارانی که به شما سپرده شده‌اند، مانند یک رئیس مستبد حکومت نکنید. آنها فقط به شما سپرده شده‌اند.

- ۵: ۳- اگر پیرکلیسا هستید با بجا گذاشتن نمونه‌ای که همه می‌توانند دنبال کنند، کلیسا را رهبری کنید.
- ۵: ۳، ۵- مرد جوانتر و هم مرد پیر بایستی هر دو نسبت به هم مطیع باشند. وظیفه نخست مرد پیر تأثیر گذاشتن بر مرد جوانتر و وظیفه نخست مرد جوان‌تر این است که تحت تأثیر مرد پیر باشد. وظیفه دوم مرد پیر این است که از مرد جوان تأثیر بپذیرد و وظیفه دوم مرد جوان تأثیر گذاشتن بر مرد پیر است.

- ۵: ۶- به عنوان پیرکلیسا یا یکی از اعضای جماعت، خود را زیر دست نیرومند خدا فروتن سازید.
- ۵: ۷- به عنوان پیرکلیسا یا یکی از اعضای جماعت، تمام اندیشه خود را به وی واگذارید، زیرا که او برای شما فکر می کند.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف- من یکی از رهبران و معلمان جوانان در جماعتمان هستم. امروز یاد گرفتم که یک رهبر مسیحی انسان‌هایی را که رهبری می‌کند، خدمت می‌کند. به علاوه او با نمونه بودن آنها را رهبری می‌کند. می‌خواهم چنین رهبری باشم. نمی‌خواهم بر آنانی که به من سپرده شده‌اند خداوندی کنم، بلکه وظیفه‌ام را با رضایت خاطر، مشتاقانه و بخصوص فروتنانه انجام دهم.

ب- من یکی از پیران جماعتم هستم. کتاب مقدس امروز بخصوص به یادم آورد که وظیفه من به طور خاص شبانی قوم خداست و اینکه مدیر برای فعالیت‌های خدا باشم. وظیفه من است که درک کنم فعالیت‌های خدا به منظور خدمت کردن قوم خداست. از قوم خدا نباید در جهت انجام فعالیت‌های خدا سؤاستفاده کرد. بایستی دیگر پیران کلیسا را یادآوری کنم که نبایستی بر قوم خدا خداوندی کنیم و از آنها برای انجام اهدافمان سوء استفاده کنیم. بایستی مواظب مردم باشم، آنها را تشویق کنم و با نمونه شخصی که از خود به جا می‌گذارم به آنها انگیزه بدهم.

قدم ۵: دعا کنید

درمورد حقیقتی که خدا به ما در اول پطرس ۵: ۱ - ۷ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده‌اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه در مورد حقایق متفاوتی دعا خواهند کرد.)

۵ دعا(۸دقیقه)
دعای شفاعت

به دعا کردن در گروه‌های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶ تکلیف منزل(۲دقیقه)
برای درس بعد

سرگروه: (رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ ـ تعهد- متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته‌های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با اول پطرس ۵: ۱ - ۷ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲ ـ رازگاهان- هر روز از تثنیه ۱۱: ۱۳- ۲۱، ۱۳: ۱- ۵، ۱۶: ۱۸- ۲۰، ۱۷: ۱۴- ۲۰، ۱۸: ۹- ۱۳، ۱۸: ۱۴-۲۲ بخوانید. از روش طرح پرسش استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ ـ حفظ کردن- آیه انجیل ۵ - نجات توسط ایمان- یوحنا ۱: ۱۲ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.

۴ ـ دعا- در این هفته برای یک شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)

۵ ـ آموخته‌های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یک دفتر (یا پوشه) درست کنید.